

سوم) کلام مرحوم خوئی:

مرحوم خوئی برای اثبات اینکه بحث از وجوب مقدمه، بحث فقهی نیست می‌نویسد:

«ان البحث ليس عن خصوص وجوب مقدمة الواجب أو استحباب مقدمة المستحب و انما البحث في الحقيقة يرجع إلى مطلوبية مقدمة المطلوب بقول مطلق بلا خصوصية للوجوب و الاستحباب، و ذكر الوجوب في العنوان ليس إلتا لأهميته لا لخصوصية فيه، و معه لا تكون المسألة فقهية، لأن جامع الطلب ليس من الأحكام الشرعية و العوارض التي تعرض لفعل المكلف»^۱

توضیح:

۱. بحث مقدمه واجب صرفاً در مقدمه واجب نیست، بلکه در مقدمه مستحب هم می‌آید، ولذا عنوان اصلی بحث «مقدمه مطلوب» است.
۲. اما اینکه فقها عنوان را «مقدمه واجب» گذاشته‌اند به خاطر اهمیت واجبات است.
۳. پس چون بحث در «مطلوبیت مقدمه یک مطلوب» است نمی‌تواند فقهی باشد چراکه «طلب» و «مطلوب» از احکام فقهی نیستند.

ما می‌گوییم:

۱. مطابق آنچه ما در تعریف وجوب و استحباب گفتیم، این دو چیزی غیر از طلب شدید و طلب ضعیف نیستند، و به عبارت بهتر وجوب و استحباب عناوینی هستند که ما از تعلق طلب شدید و طلب ضعیف انتزاع می‌کنیم، پس آنچه واقعا به افعال مکلفین تعلق می‌گیرد طلب است و به این بیان علم فقه، علمی است که درباره تعلق طلب به افعال مکلفین بحث می‌کند.
۲. اما اگر کسی بگوید طلب چیزی غیر از استحباب و وجوب است، باز هم می‌شد گفت:

«الطلب المأخوذ في العنوان قد أخذ عنواناً و مرآة للوجوب و الاستحباب، فالبحث يرجع في الحقيقة إلى وجوب مقدمة الواجب و استحباب مقدمة المستحب، غاية الأمر انه يشار إليهما بلفظ و عنوان واحد.»^۲

توضیح:

۱. اگر هم بحث از «مطلوبیت مقدمه یک امر مطلوب» باشد، در اینجا طلب عنوان مشیر است و بحث

۱. منتقى الاصول، ج ۲، ص: ۹۹

۲. منتقى الاصول، ج ۲، ص: ۱۰۰



بالاصاله دربارہ وجوب و استحباب است.

جمع بندی:

برای تبیین بهتر مسئله (اینکه بحث از مقدمه واجب آیا مسئله اصولی است؟) لازم است به نکاتی اشاره کنیم:

یک) ما در بیان فرق بین قواعد فقهی و مسائل اصولی گفته بودیم که در میان ۹ فرق که اصولیون بین آن دو گذاشته‌اند به ۲ فرق می‌توانیم قائل شویم. یکی فرقی که مرحوم آخوند گذاشته است که عبارت است از اینکه: «تمایز بین مسئله اصولی و قاعده فقهی در آن است که قاعده فقهی در برخی از ابواب جریان دارد در حالی که مسائل اصولی در همه ابواب علم فقه جاری است» و دیگری فرقی است که حضرت امام گذاشته است که عبارت است از اینکه: «مسائل اصولی آلت برای رسیدن به احکام شرعی‌ای هستند که بالذات مورد نظر شارع است در حالیکه قواعد فقهی خود بالذات مورد نظر شارع‌اند.»^۱

دو) در بحث‌های سال اول اصول گفته‌ایم که یک مسئله و قضیه می‌تواند از مسائل دو علم باشد چرا که به تأمین غرض آن علم کمک می‌کند.^۲

سه) در بحث‌های سال اول گفتیم، قضایا و مسائل یک علم، آن دسته از قضایا و مسائل هستند که با خصوصیات متعدده خود، یک غرض واحد را تأمین می‌کند.^۳

چهار) ما در تعریف علم اصول گفته بودیم:

«القواعد الممهده اما لأن تكون كبرى الاستدلال الفقهي و اما لان يكون هذا الاستدلال مبنياً عليه، حال كونها غير مختصه ببعض ابواب الفقيهه»

باتوجه به این تعریف روشن است که بحث از ملازمه بین وجوب ذی المقدمه و وجوب مقدمه را می‌توان از مسائل علم اصول دانست چراکه بحث از وجوب مقدمه یا کبرای الاستدلال فقهی قرار می‌گیرد و یا استدلال فقهی مبنی بر آن است، به این بیان که استدلال فقهی عبارت است از اینکه:

• نماز واجب است.

۱. ن ک، درسنامه سال اول اصول، ص: ۱۰۲

۲. ن ک، درسنامه سال اول علم اصول، ص: ۶۸

۳. ن ک، درسنامه سال اول اصول، ص: ۶۷



• وضو مقدمه نماز است.

• وضو مقدمه واجب است.

❖ مسئله اصولی: هر چه واجب است مقدمه‌اش هم واجب است.

❖ وضو واجب است.

ان قلت: مسئله اصولی این قضیه شرطیه نیست بلکه عبارت است از «الملازمة بين الوجوبين موجودة» قلت: در این صورت هم قضیه شرطیه مذکوره، مبنی بر این قضیه است و لذا باز هم طبق تعریف از مسائل علم اصول قرار می‌گیرد.

پس اگر گفتیم غرض از علم اصول «تحصیل کبری و مبانی استدلال فقهی است» می‌توانیم به راحتی بگوئیم بحث از ملازمه بین وجوب مقدمه و وجوب ذی‌المقدمه، از مسائل علم اصول است.

و با این بیان می‌توانیم اضافه کنیم:

حتی اگر عنوان بحث را چنین مطرح کنیم، «آیا مقدمه واجب واجب است؟» باز هم می‌توانیم مسئله را از مسائل علم اصول به شمار آوریم چرا که: از طرفی نتیجه این قضیه می‌تواند کبرای قیاس فقهی قرار گیرد.

• وضو مقدمه واجب است.

• مقدمه واجب واجب است.

• وضو واجب است.

و از طرف دیگر این قضیه، در همه ابواب فقه جاری است و لذا از قواعد فقهی نیست بلکه یک مسئله اصولی است.

